

یتیم را پناه بده و فقیر را از خود مران!

احمد عبدالتیان| در ادامه مرور سوره های کو چک قرآن کریم، آیات ۶ تا ۱۱ سوره مبارک ضحی (روشنایی روز) را باهم تلاوت می کنیم که خداوند متعال می فرماید: «أَلَمْ يَجْعَلْ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ فَأَنَا الْيَتِيمَ فَلَاتَّقْهُ وَأَنَا الضَّالَّاتِلَ فَلَاتَهْزُ وَأَنَا الْفَقِيرَ فَلَا تُخْزِنِي» آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد و سامانت بخشید و تو را سرگشته نیافت، پس هدایت کرد و توراتهی دست نیافت و بی نیاز کرد؟[حال که چنین است] پس بر یتیم، فقر و تندی مکن و سائل را از خود مران و نعمت پروردگارت را [برای سیاس] باگو کن!

در مرور بخش اول سوره، گفتیم که خداوند، پیامبر خود را دلدار می دهد و در ادامه سوره به پیامبرش می فرماید: «همان طور که ما تو را از یتیمی و سرگشتگی و تهی دستی نجات دادیم، تو هم هوای یتیم و فقیر را داشته باش و نعمت هایی که خداوند به تو داده است، فراموش نکن.» البته پناه دادن به یتیم و غنی کردن فقیر کار خود خداوند است و انسان همین که به یتیم رسیدگی کند و فقیر را از خود نراند، کافی است.

نکته مهم این آیات، این است که در هنگام قدرت، نباید از زمان ضعف خود فراموش کنیم. یکی از کارهایی که نشانه قدرشناسی انسان است و مشخص می کند که ضعیف بودن خود را فراموش نکرده، رسیدگی به یتیمان و فقراست. همچنین یاد نعمت های الهی، روحیه تشکر از خدا و خدمت به دیگران را در انسان، زنده می کند و انسان را از یأس و خودباختگی نجات می دهد و اگر بیماری و فقر و سختی برای انسان رخ دهد، یاد سایر نعمت ها برای او مرهم است.

حکمت

نورانیتِ حقیقت در عصر ابهام بازخوانی پیام رسالت

محمّدجواد علیپور میان انبوه اطلاعات و سیل اخبار که مرز میان حقیقت و باطل را کم رنگ کرده است، بازگشت به کلمات نورانی امیرالمؤمنین علی^(ع) در خطبه دوم نهج البلاغه، بیش از هر زمان دیگری ضرورت می یابد. ایشان در توصیف مأموریت پیامبر اکرم^(ص)، از عباراتی بهره می برند که توصیف یک مأموریت دینی و دستورالعملی برای «شفافیت» در جهان معنوی و اجتماعی است.

حضرت امیرالمؤمنین^(ع) رسالت پیامبر^(ص) را با مفاهیمی چون «دین مشهور»، «نور ساطع» و «امر صادق» (فرمان روشن) توصیف می کنند. این توصیفات، پیام رسان یک حقیقت عیان هستند؛ حقیقتی که برخلاف تئوری ها و نظریات پیچیده و مبهم، برای همه قابل درک و ملموس است. وقتی از «کتاب مسطور» و «نور درخشان» سخن می گوئیم، یعنی آنچه خداوند نازل کرده، ابزاری برای زدودن غبار از چشمان انسان هاست.

اما نکته کلیدی برای مخاطب امروز، در بخش پایانی این خطبه نهفته است: «إِذَا حَاجَ لِلشُّبُهَاتِ»، یعنی هدف این رسالت، از میان برداشتن شک و تردید هاست. در دنیای امروز که «شبهه» و «ابهام» به ابزاری برای گمراهی تبدیل شده است، ما به همان «نور ساطع» و «بینایی براهین» نیاز داریم. رسالت پیامبر اکرم^(ص)، ایجاد یک استاندارد ذهنی و قلبی بود تا انسان بتواند میان واقعیت و توهم، تمایز قائل شود.

حقیقت، باید «آشکار» و «پیدا» باشد. دین و اخلاق نباید در غبار پیچیدگی های فکری پنهان شوند، بلکه باید مانند «نور»، راهگشا و روشنگر مسیر زندگی باشند. درنهایت، هشدار درباره عواقب گناه و تأکید بر حجت های روشن، تلاشی است برای بازگرداندن انسان به مسیر عقلانیت و مسئولیت پذیری.

ما در عصر «اطلاعات»، بیش از هر چیز به «بینات» (دلائل روشن) نیاز داریم تا از غرق شدن در دریای شبهات، نجات یابیم.

احکام

نظر مراجع عظام تقلید درباره کاشت ناخن مصنوعی و تأثیر آن بر وضو و غسل

سمانه رضوانی| یکی از کارهایی که در جامعه ترویج پیدا کرده، کاشت ناخن مصنوعی است. از آنجا که صحت وضو و غسل، شرط اساسی برای بسیاری از عبادات مانند نماز به شمار می رود، آگاهی از نظر مراجع عظام تقلید درباره مانع یا عدم مانع بودن ناخن مصنوعی در رسیدن آب به عضو، برای ما ضروری است. باتوجه به تفاوت فتواها در این مسئله، این نوشتار، به نقل عین عبارت برخی مراجع گران قدر در این باره می پردازد تا مکلف بتواند براساس مرجع تقلید خود، وظیفه شرعی خویش را تشخیص دهد.

شهید آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای

اگر ناخن جدید بر روی ناخن قبلی چسبانده شود، مانع رسیدن آب به اعضای وضو و غسل است و کسی به دلیل عدم امکان یا ضرر یا مشقت زیاد، هنگام وضو یا غسل، ناخن مصنوعی را برنخواهد داشت. کاشت ناخن، جایز نیست و چنانچه برداشتن ناخن مصنوعی ممکن باشد، وضو یا غسل با آن، باطل است و درنتیجه نماز هم باطل است و چنانچه برداشتن آن تا پایان وقت نماز ممکن نباشد یا مشقت غیرقابل تحمل داشته باشد، باید علاوه بر وضو یا غسل جبیره ای، تیمم کند و بعد از برداشتن ناخن، بنابر احتیاط واجب، فضای نمازها را نیز بخواند.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

در صورتی که ضرورتی برای این کار نباشد، آن را ترک کنند و چنانچه ضرورتی وجود داشته باشد و امکان جداسازی ناخن های مصنوعی به هنگام وضو نباشد، به صورت عادی وضو را انجام می دهد.

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

کاشتن ناخن به صورتی که برای وضو و غسل نتوانند آن را بردارند، اشکال دارد ولی چنانچه شخصی مرتکب این عمل شده باشد، در صورت امکان، ناخن مصنوعی را بردارد و وضو و غسل به نحو معمولی انجام شود و در صورت عدم امکان، برداشتن ناخن با همان حال وضو و غسل به عنوان جبیره انجام شود و احتیاطاً تیمم هم بکند.

آیت الله العظمی سید علی سیستانی

غسل وضو یا چنان چیزی که مانع از وصول آب می شود، صحیح نیست و تاگزیر باید آن ها را برای انجام غسل و وضوی صحیح، زایل و پاک کرد و قصد آرایش، مجوز چنان کاری نیست.

شکر

شنبه
۲۴ شهریور ۱۴۰۵
۲۴ شهریور ۱۴۰۵
۲۴ شهریور ۱۴۰۵

۱۴



معارف

شیطان با نماز مشکل دارد

عوامل مؤثر در فاصله گرفتن نسل جدید از نماز، هم درونی است و هم بیرونی؛ عوامل درونی مانند نفس اماره و وسوسه های شیطانی در همه نسل ها مشترک است، اما آنچه امروز سبب شده است ارتباط نسل جدید با نماز سخت تر شود، عوامل بیرونی شامل خانواده، مدرسه و جامعه است. اینکه امروز اقبال فرزندان ما به نماز کم شده است، به این معنا نیست که نسل های گذشته به معنای واقعی نماز را اقامه کرده اند، چون شیطان همواره تلاش می کند که یا انسان را از نماز باز بدارد یا نماز را بی محتوا کند و در این میان، افرادی هم فریبش را خورده و با او همراهی کرده اند، بنابراین نباید تصور کنیم در گذشته همه چیز ایده آل بوده است.

نقش کلیدی پدر و مادر

خانواده نقش کلیدی در گرایش یا عدم تمایل فرزندان به نماز دارد. متأسفانه بسیاری از پدر و مادرهایی که از بی توجهی فرزندان شان به نماز گلایه دارند، خودشان نیز در اقامه نماز کامل هستند، برای مثال وقتی مادر در وقت نماز، مشغول پخت و پز می شود یا پدر در حال تماشای تلویزیون، کار باتلفن همراه و استراحت است و نماز را به تأخیر می اندازد و در وقت اذان دغدغه نماز ندارد، غیرمستقیم به فرزند این پیام را می دهد که «نماز بی اهمیت است» و «غذا و سفره، تلویزیون یا کار دنیا بر نماز مقدم است».

قردران نعمت های خدا باشیم

پدر و مادری که در هر شرایطی به نماز اول وقت اهمیت می دهند، عملاً به فرزندشان می آموزند که هیچ کاری در این دنیا بر نماز مقدم نیست. این همان تعظیم و تکریم نماز است که متأسفانه در خانه های ماکمتر دیده می شود، درحالی که سیره انبیا و آموزه های قرآن مثل توصیه های حضرت لقمان حکیم به فرزندش، همگی بیانگر ضرورت و اهمیت ارتباط با خدا به ویژه از راه نماز است. علاوه بر این، در خانواده های ماکمتر از خدا و نعمت های الهی صحبت می شود، درحالی که انبیا و اولیا مرتب با فرزندان شان، از خدا و نعمت های او سخن می گفتند و این کار سبب ایجاد علاقه و حس پرستش در میان فرزندان می شد.

حجت الاسلام والمسلمین باقی، خانواده نقش کلیدی در گرایش یا عدم تمایل فرزندان به نماز دارد. متأسفانه بسیاری از پدر و مادرهایی که از بی توجهی فرزندان شان به نماز گلایه دارند، خودشان نیز در اقامه نماز کامل هستند

بررسی موانع بیرونی انس فرزندان با نماز

بچه ها را با نماز رفیق کنیم

گفت وگو

آمنه مستقیمي| دغدغه این روزهای بیشتر پدر و مادرها، تربیت صحیح و حفظ فرزندان شان از بحران و چالش و ابتلائاتی است که می تواند مسیر زندگی و سرنوشت آن ها را تغییر دهد و گاه راه های پرهزینه را برای رفع این دغدغه طی می کنند، درحالی که خداوند در قرآن کریم می فرماید از طریق نماز، راه ابتلا به فحشا و منکر را بر انسان می بندد، اما مثل خیلی دیگر از فرصت ها ما از کنار انس فرزندان با نماز، آسان می گذریم. در آسیب شناسی غفلت از نماز و راه های آشتی دادن نسل جدید با این فریضه، با حجت الاسلام والمسلمین علی محمد باقی، مدرس حوزه و مؤلف آثاری همچون «اسرار نماز» و «مدیریت اقامه نماز در مدرسه»، گفت وگو کرده ایم.



نعمت ها را از فضل خدا بدانیم

راهکارهای عملی متعددی برای انس فرزندان با نماز وجود دارد، نخست، تربیت مبتنی بر احترام و محبت، فرزند در دوران نوجوانی به تعبیر تربیت دینی، غلام و تابع پدر و مادر خواهد بود، به شرطی که تربیت اولیه درست انجام شده باشد. کودک از کسی تقلید و پیروی می کند که به او احترام بگذارد و بزرگ بداردش. اگر کودک را تحقیر کنیم و به او بگوئیم «تو چیزی نیستی»، طبیعتاً ارتباطش با ما قطع می شود و الگو نمی گیرد. راه دوم، نسبت دادن نعمت ها به خداست؛ برای مثال وقتی خرید می کنیم یا غذا می خوریم، به فرزندمان بگوئیم این ها همه از فضل پروردگار است، وقتی نعمت ها را از آن خدا معرفی می کنیم، فضای ارتباط عاطفی بچه ها با خدای مهربان و علاقه مندی شان به نماز را فراهم می کنیم.

ابتلائات را به خدا نسبت ندهیم

هرگز نباید مشکلات و چالش ها را به خدا نسبت بدهیم؛ برای مثال نگوئیم «دزد ماشین را بُرد، خواست خدا بود...» کودک و نوجوان این موضوع را به درستی تحلیل نمی کند و چهره ای غیرجذاب از خدا در ذهن او ساخته می شود. علاوه بر این، والدین باید خودشان به قرآن خواندن و نماز اول وقت، متقید باشند. راهکار پنجم، رفت وآمد به مسجد است؛ مسجد رفتن اجباری نیست، اما ضروری است؛ چون رفت وآمد فرزندان به مسجد، نماز را در آن ها نهادینه و به باور تبدیل می کند. حضور در فضاها و اماکن مذهبی مثل آستان امام زادگان یا نماز جمعه و همین تجمعات شبانه نیز با ایجاد فضای معنوی برای بچه ها، بستر جذب و انس آن ها با نماز را فراهم می کند. خوب است پدر و مادر با روش «مهندسی دوستی»، فضای ارتباط فرزندان با دوستان هم فکر را ایجاد کنند.

نقش خانواده در نماز خوان شدن بچه ها

می توان از امام جماعت مسجد خواست که کاری به فرزند ما بسپارد و او را در فعالیت ها شریک و جذب کند، حتی می توان هدیه ای به امام جماعت داد تا از طرف خودش به بچه هدیه کند. کم کم بچه ها با این رفتارها، به امور مذهبی و مجالس اهل بیت^(ع) گرایش پیدا می کنند؛ البته همه این ها باید لطیف و نامحسوس انجام شود. باید توجه داشت اگرچه عوامل زیادی موجب دوری از نماز می شود، اما با تمرکز بر عامل خانواده و به کارگیری روش های صحیح تربیتی، می توان فرزندان را به نماز و مسجد علاقه مند کرد.

از تلفظ تا راز؛ چگونه قرائت نماز را اصلاح کنیم؟

حقیقت عبادات؛ در عین سادگی

شاید در مسیر رسیدن به مقامات معنوی، این تصور غلط ایجاد شود که برای رسیدن به کیفیت، باید حتماً کلمات را طولانی و مفصل کرد. اما حقیقت، فراتر از این هاست. کیفیت عبادت، در طولانی بودن آن نیست، بلکه در «اهل بودن» است.

در این زمینه، روایت زیبایی وجود دارد که نشان می دهد عبادت واقعی، به کثرت الفاظ نیست، بلکه بر حضور قلب استوار است. از حضرت آیت الله العظمی بهجت در کتاب «در محضر بهجت، ج یک، ص ۱۰۸» نقل شده است: «آقای می گفت: جماعتی بودیم، آقا امام زمان^(عج) تشریف آوردند و امامت کردند، ولی حمد و سوره را حسابی ساده قرائت فرمودند. خدا می داند همین عبادت های مرتبه، دیگر بحث بر سر «دانستن» معنائیست، بلکه بحث بر سر «احساس کردن» آن است.

آیت الله العظمی جوادی آملی در کتاب «رازهای نماز» در این باره می گوید: «قرائت نماز، به اعتبار اینکه قرآن حاوی اسرار است، خود دارای «راز» است. تا زمانی که قاری «رازخواه» نباشد، به سر و نهان قرائت دست نمی یابد و قرائت وی، همچنان ناقص باقی می ماند.» در این مرحله باید توجه داشته باشیم که علاوه بر توجه به مفاهیم و شمرده و متین اداکردن کلمات، داشتن نغمه ای محزون و آرام بند، در حفظ در قلب کمک می کند؛ چرا که قرآن را باید با نغمه ای حزن انگیز و دلریا خواند تا دل را به سوی حق، تمایل کند.

ببیندازد، درواقع از روح عبادت دور شده است. درواقع، چنین کسی اگر جز به تجوید و تصحیح لفظ نپردازد، قلب اواز عبادت، منجز و باطن اواز آن منحرف می شود. هدف از اصلاح ظاهر این است که تلفظ صحیح، ابزاری برای حضور در پیشگاه حق باشد، نه مانعی که ذهن را از معنا، جدا و درگیر ریزه کاری های لفظی کند.

شناخت معانی؛ فراتر از خواندن متن

مرحله دوم، شناخت عمیق معانی الفاظ است. بسیاری از ما عمری را در تکرار کلمات سپری کرده ایم، بدون آنکه معنای روشنی از آنچه می گوئیم، در ذهن داشته باشیم. ایستادن در این مرحله، مانند سخنوری است که به جای توجه به مخاطب و ایجاد پیوند با او، تمام فکروذکرش، درگیر خواندن متن پیش رو باشد؛ او می داند چه می گوید، اما با مخاطب خود (خداوند) ارتباطی برقرار نمی کند.

ما باید وقتی می گوئیم «اهدنا الصراط المستقیم»، واقعا بتوانیم با این دعای بزرگ، دامن لطف خدای مهربان را بگیریم و هدایت به طریق اهل بیت^(ع) را از او طلب کنیم. حضور در



حجت الاسلام والمسلمین سعید باقی نویسنده و قائل قریشی